

کارکردهای اجتماعی ورزش همگانی با تأکید بر اعتماد اجتماعی

بهمن سبحانی^۱، سید ضیا هاشمی^۲

۱. دانشجوی دکتری رفاه اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی*

۲. دانشیار جامعه‌شناسی، دانشگاه تهران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۷/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۴/۲۴

چکیده

در ادبیات جامعه‌شناسی شبکه‌های اجتماعی غیررسمی به‌عنوان یکی از راه‌های اصلی تقویت روابط و پیوندهای اجتماعی میان افراد و به تبع آن، افزایش اعتماد اجتماعی شناخته شده‌اند و از آنجایی که ورزش همگانی نوع غیررسمی و داوطلبانه ورزش بوده و فضای مطلوبی را جهت افزایش روابط متقابل و پیوندهای عاطفی و نزدیک بین افراد مختلف جامعه مهیا می‌کند، به نظر می‌رسد که می‌تواند از طریق کارکردها و سازوکارهای خاص خود در تقویت اعتماد اجتماعی مؤثر باشد. پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه شرکت جوانان در ورزش‌های همگانی با اعتماد اجتماعی آن‌ها به انجام رسید. روش این پژوهش پیمایشی بوده و طرح آن از نوع هم‌بستگی می‌باشد. جامعه آماری پژوهش شامل تمامی جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله شهر تهران بود که از میان آن‌ها ۴۰۵ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای به‌عنوان نمونه انتخاب شده و به دو گروه شرکت‌کننده در ورزش همگانی و غیرشرکت‌کننده در ورزش همگانی تقسیم شدند و مؤلفه‌های اعتماد اجتماعی آن‌ها با استفاده از پرسش‌نامه پژوهشگرساخته سنجیده شد. نتایج نشان می‌دهد که میانگین اعتماد اجتماعی در حالت کلی آن برای افراد شرکت‌کننده در ورزش همگانی (۲/۹۶) بیشتر از میانگین این متغیر برای افراد غیرشرکت‌کننده در آن (۲/۸۴) می‌باشد و این تفاوت از نظر آماری معنادار است؛ بدین‌معناکه می‌توان گفت شرکت در ورزش همگانی با میزان اعتماد اجتماعی جوانان مورد پژوهش هم‌بستگی دارد. همچنین، در بررسی ابعاد اعتماد اجتماعی مشخص گردید که تفاوت میانگین دو گروه در مورد متغیرهای اعتماد بین شخصی و اعتماد تعمیم‌یافته از نظر آماری معنادار می‌باشد؛ اما در مورد اعتماد بنیادین و اعتماد نهادی تأثیر معناداری مشاهده نمی‌شود.

واژگان کلیدی: ورزش همگانی، اعتماد اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی غیررسمی، جوانان

مقدمه

ورزش و فعالیت جسمانی به‌عنوان یک واقعیت اجتماعی از زمان‌های بسیار دور در ساختار جوامع بشری وجود داشته و بخشی از زندگی روزمره انسان‌ها را تشکیل داده است. این پدیده اجتماعی - فرهنگی، پیوندی اندام‌وار با مجموعه نهادها و ساختارهای اجتماعی دارد. البته، مفهوم ورزش را نباید به تحقق بخشیدن اهداف صرفاً رقابتی که یک تصور و برداشت تنگ‌بینانه از ورزش است، محدود کرد؛ زیرا، ورزش به‌لحاظ اجتماعی و فرهنگی دارای مفهومی غنی‌تر و گسترده‌تر می‌باشد. به اعتقاد لیکر^۱ (۲۰۰۲)، ورزش دارای یک وجه ارتباطی است که بر غنی‌ساختن تعامل میان انسان‌ها اثر می‌گذارد. ارتباطات، مناسبات و تماس‌های ورزشی نوعی از روابط اجتماعی در معنای خاص بوده و به تولید شبکه‌های روابط ورزشی - اجتماعی در سطوح مختلف جامعه و در بین اقشار و نهادهای مختلف آن می‌پردازد. تمامی جامعه‌شناسان ورزشی در این نکته هم‌عقیده هستند که فرصت‌های تعامل اجتماعی که از طریق ورزش و درون‌مایه‌های آن (آموزش و تمرین، رقابت، تماشا، جابه‌جایی و غیره) دست می‌دهد، آشکارا به خلق ارزش‌های پذیرفته‌شده اجتماعی و کسب هنجارهای مورد پذیرش اجتماعی مطلوب اجتماعی کمک می‌کند (الخولی^۲، ۱۳۸۱، ۱۹۹-۲۰۰).

در این ارتباط، آلد^۳ (۲۰۰۸) عنوان می‌کند که با توجه به خصلت اجتماعی ورزش، دارای پتانسیل غلبه بر حل مفهوم چالش‌برانگیز شکل‌گیری هویت از میان هویت‌های فرهنگی چندپاره و مسائل متعاقب آن از طریق تطبیق نقش‌های چندگانه بالقوه افراد (برای مثال والد، هم‌کلاسی، شهروند، کارمند و همسایه) می‌باشد. وی به نقل از هریس^۴ (۱۹۹۸) اظهار می‌کند که ورزش می‌تواند فرصت برقراری دوستی‌های جدید در عرض مرزبندی‌های اجتماعی را فراهم نماید و این فرایند ورای شرکت‌کنندگان در ورزش، سایر افراد نزدیک به آن‌ها که مشارکتی در ورزش ندارند (از قبیل والدین، همکاران، مربیان و غیره) را نیز شامل می‌شود (آلد، ۲۰۰۸). پژوهشگری دیگر بر این باور است که باشگاه‌های ورزش محلی یکی از مؤلفه‌های مهم شبکه‌های اجتماعی رسمی و غیررسمی هستند که ایجاد، گسترش و حفظ سرمایه اجتماعی را پشتیبانی می‌کنند. باشگاه‌های ورزشی مبتنی بر اجتماع محلی (ورزش همگانی)، فرصت‌هایی را برای افراد جامعه فراهم می‌آورند تا گرد هم جمع شوند و آن‌ها را قادر می‌سازد تا به‌واسطه سازوکارهای رسمی و غیررسمی ورزش با شبکه‌های اجتماعی گسترده‌تر مرتبط و درگیر شوند (کاسکلی^۵، ۲۰۰۸).

-
1. Laker
 2. Alkhowli
 3. Auld
 4. Harrise
 5. Cuskelly

ورزش همگانی که با هدف افزایش مشارکت تمام گروه‌های اجتماعی و فراهم کردن تکثرگرایی ورزشی، تقویت ورزش قهرمانی، ورزش رقابتی، تفریحات سالم و ورزش تفریحی پایه‌گذاری گردید، علاوه بر افزایش سلامت و نشاط در جامعه دارای کارکردهای مطلوبی چون افزایش همدلی، تقویت همبستگی و مشارکت اجتماعی، تحکیم روابط و پیوندهای اجتماعی و کمک به فرایند جامعه‌پذیری نیز می‌باشد (روشندل، ۱۳۸۶). در ادبیات جامعه‌شناسی، شبکه‌های اجتماعی غیررسمی یکی از راه‌های اصلی تقویت روابط و پیوندهای اجتماعی میان افراد و به تبع آن افزایش اعتماد اجتماعی می‌باشد و از آن‌جا که ورزش همگانی نوع غیررسمی و داوطلبانه ورزش است که می‌تواند فضای مطلوبی را جهت افزایش روابط متقابل و پیوندهای عاطفی و نزدیک بین افراد مختلف جامعه مهیا کند؛ بنابراین، به نظر می‌رسد ورزش همگانی می‌تواند از طریق کارکردها و سازوکارهای خاص خود به تقویت اعتماد اجتماعی کمک کند.

در این راستا، چلبی (۱۳۸۴، ۱۲) اعتماد را داشتن حسن‌ظن نسبت به تمامی افراد در روابط اجتماعی جدای از تعلق آن‌ها به گروه قومی - قبیله‌ای و مذهبی می‌داند که این امر منجر به گسترش روابط برون‌گروهی می‌شود. به عبارت دیگر، می‌توان گفت اعتماد عمدتاً مقوله‌ای اجتماعی است که مستلزم وجود رابطه بوده و در جریان جامعه‌پذیری و تجارب اجتماعی پدید می‌آید؛ بنابراین، دارای خصلتی اکتسابی بوده و موضوعی فرهنگی شمرده می‌شود که بر پایه ارزش‌های مشترک معنا می‌یابد (سبحانی، ۱۳۹۰، ۲۴). در مطالعات مختلف اعتماد در اشکال مختلف اعتماد بنیادین، اعتماد بین شخصی، اعتماد تعمیم‌یافته و اعتماد نهادی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. اگر اعتماد را به‌عنوان یک ویژگی شخصیتی و یک نگرش اجتماعی از سوی فرد نسبت به خود و دنیای پیرامون در نظر بگیریم که باعث می‌شود وی افراد و موضوعات اجتماعی را قابل اعتماد بداند و نسبت به آن‌ها با حسن‌ظن و خوش‌بینی نگاه کند، با مفهوم اعتماد بنیادین^۱ سروکار خواهیم داشت (اریکسون، ۱۹۸۶؛ گیدنز^۲، ۱۳۸۵). اعتماد می‌تواند به‌عنوان یک ویژگی در سطح روابط بین فردی و گروه‌ها مدنظر قرار گیرد که در این حالت اعتماد بین شخصی^۳ که به تعاملات مبتنی بر اعتماد بین افراد می‌پردازد، مطرح می‌شود. این نوع اعتماد را می‌توان در دو سطح درون‌گروهی و برون‌گروهی بررسی کرد. در اعتماد درون‌گروهی، حسن‌ظن فرد نسبت به گروه خودی، خانواده و هم‌کیشان مورد بررسی قرار می‌گیرد (بلاو^۴، ۱۹۶۴؛ هومنز^۵، ۱۹۷۴؛ جانسون^۶، ۱۹۹۳) و در اعتماد برون‌گروهی حسن‌ظن فرد نسبت به همه افراد جامعه

-
1. Fundamental Trust
 2. Erikson & Giddens
 3. Interpersonal Trust
 4. Blau
 5. Homans
 6. Johnson

در روابط اجتماعی به دور از گروه‌های قومی و سازمانی در نظر گرفته می‌شود (چلبی، ۱۳۸۴؛ گیدنز، ۱۳۸۵). در سطح کلان نیز می‌توان به سطح عام اعتماد توجه نمود که اعتماد به اصناف و گروه‌های اجتماعی (اعتماد تعمیم‌یافته)^۱ و اعتماد افراد به نظام‌ها و نهادهای کلان جامعه (اعتماد نهادی)^۲ را دربرمی‌گیرد (گیدنز، ۱۳۸۵؛ زتومکا^۳، ۱۳۸۶). مروری بر نظریات مرتبط با اعتماد بیانگر آن است که نزد بیشتر متفکران، ارتباطات و شبکه‌های اجتماعی نقشی اساسی در اعتماد دارند. اگرچه نظریه‌پردازان کلاسیک بیشتر از اعتماد به هم‌بستگی توجه داشته‌اند؛ اما به‌طور ضمنی بر اهمیت آشنایی و روابط رو در رو در شکل‌گیری اعتماد اشاره نموده‌اند. در گماینشافت (تونیس)^۴، جوامع مبتنی بر هم‌بستگی مکانیک (دورکیم)^۵، جوامع پیش از مدرن (زیمل)^۶ و جوامع سنتی (وبر)^۷، روابط تعریف‌شده مبتنی بر آشنایی و قرابت، عامل هم‌بستگی و انسجام شناخته می‌شود؛ اما در آرا معاصر با وضوح بیشتری به اهمیت روابط متقابل و رو در رو در شکل‌گیری و تقویت اعتماد اجتماعی اشاره شده است. روابط مبتنی بر تعامل متقابل میان افراد و گروه‌ها (پارسونز)^۸، گسترش شعاع اعتماد (فوکویاما)^۹، شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد (پاتنام)^{۱۰}، آشنایی بیشتر و کاهش عدم‌تعیین (لومان)^{۱۱}، اعتماد تعمیم‌یافته (گیدنز)، روابط اظهاری و عاطفی (چلبی) و غیره اشاره به اهمیت شبکه‌های اجتماعی و روابط متقابل افراد و گروه‌ها دارند؛ بنابراین، تقویت روابط و پیوند میان افراد جامعه می‌تواند به تقویت اعتماد اجتماعی منجر شود و در این میان، نهادهای مختلف جامعه از قبیل آموزش و پرورش، دین، رسانه‌ها و ورزش (ورزش همگانی) می‌توانند در شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی رسمی و غیررسمی که به افزایش و بسط روابط و پیوند افراد جامعه منجر می‌شوند، ایفای نقش کنند.

در رویکرد کارکردگرایی، پژوهشگران مسائل اجتماعی جامعه را منظومه‌ای دارای ابعاد درهم‌تنیده و روابط هم‌بسته و نظام‌مند می‌دانند که هر بخش از آن می‌تواند کارکردها و وظایفی را برای حفظ نظم و انسجام اجتماعی به انجام رساند. غالباً اهداف ورزش همگانی را در چهار بخش اهداف بهداشتی و تندرستی، پرورشی و اخلاقی، روانی و اجتماعی و حرکتی و مهارتی طبقه‌بندی و بررسی می‌نمایند.

-
1. Generalized Trust
 2. Institutional Trust
 3. Sztompka
 4. Tonnies
 5. Durkheim
 6. Simmel
 7. Weber
 8. Parsons
 9. Fukuyama
 10. Putnam
 11. Luhman

اهداف بهداشتی و تندرستی و حرکتی و مهارتی را می‌توان از اهداف یا کارکردهای آشکار دانست و اهداف پرورشی و اخلاقی و روانی و اجتماعی را می‌توان به‌نوعی اهداف یا کارکردهای پنهان ورزش همگانی قلمداد کرد. نتایج پژوهش‌های متعدد از جمله ساوولا^۱ (۲۰۰۲)، پیرا^۲ و همکاران (۲۰۰۲)، رضانی خلیل‌آباد (۱۳۷۵)، غفرانی و همکاران (۱۳۸۸)، رضانی‌نژاد و همکاران (۱۳۸۸)، احسانی و همکاران (۱۳۹۳)، عزیزی (۱۳۸۸)، شعبانی و همکاران (۱۳۹۳) و غیره نشان می‌دهد که انگیزه افراد از شرکت در ورزش همگانی به‌ترتیب اولویت بیشتر به کارکردهای آشکار آن مرتبط می‌باشد؛ درحالی‌که به عقیده بسیاری از اندیشمندان، کارکردهای پنهان این نوع فعالیت‌ها اهمیت بسیاری برای جوامع و گروه‌ها در پی خواهد داشت؛ به‌عنوان مثال، ویلکرسون و دودر^۳ (۱۹۸۸) در پژوهشی با عنوان "ورزش همگانی چه کاری را برای مردم انجام می‌دهد"، هفت وظیفه و عملکرد را برای ورزش همگانی در جامعه ذکر نمودند که بیشتر بیانگر کارکردهای اجتماعی و روانی آن می‌باشند. این هفته عملکرد عبارت هستند از: کاهش هیجانات، اثبات هویت، کنترل اجتماعی، اجتماعی‌شدن، ایجاد الگوهای رفتاری جدید، بیداری و آگاهی جمعی، موفقیت و نشاط.

در این راستا، جی. ای. نیکسون^۴ (۱۹۷۸) پنج کارکرد اجتماعی را برای ورزش همگانی برشمرده است: کارکرد اجتماعی - عاطفی، کارکرد اجتماعی‌شدن، کارکرد تکاملی و یکپارچه‌سازی، کارکرد تحرک اجتماعی و کارکرد سیاسی (الخولی، ۱۳۸۱، ۷۵). لارسن^۵ (۱۹۷۶) نیز کارکردهایی را برای ورزش همگانی پیشنهاد می‌کند که بیانگر ابعاد پررنگ اجتماعی آن است؛ از جمله تحقق‌بخشیدن به اهداف پذیرفته‌شده اجتماعی، آماده‌سازی برای پذیرش رهبری و تبعیت در جامعه دموکراتیک و سازگاری اجتماعی و انطباق محیطی (الخولی، ۱۳۸۱، ۷۴). علاوه‌براین، جی کواکلی^۶ (۱۹۸۳) به اندیشه‌های پارسونز پیرامون نیازهای اجتماعی اساسی و مطلوب که ورزش می‌تواند در آن‌ها سهم داشته باشد (شامل: حفظ الگو، تکامل و تطبیق) اشاره کرده است. به اعتقاد وی، کارکردگرایان بر این باور هستند که ورزش تجربه‌های آموخته‌ای را به‌دست می‌دهد که کار آن‌ها تقویت و توسعه دایره آموختن و فراگیری است که طی موقعیت‌ها یا کنش‌های دیگری پدید می‌آید. شایان‌ذکر است که ورزش می‌تواند به‌عنوان یک نهاد ثانوی که پاره‌ای نهادهای نخستین چون خانواده و مدرسه را یاری می‌رساند، خدمت کند؛ زیرا، بر آن است افراد را به‌گونه‌ای تربیت کند که با جریان اجتماعی اصلی توافق و سازگاری داشته باشند. همچنین، ورزش با گردهم‌آوردن مردم و وحدت‌بخشیدن به آن‌ها و تزریق احساسات

-
1. Savolla
 2. Preiera
 3. Wilkerson & Dudder
 4. Nixon
 5. Larson
 6. Coakley

هم‌گروهی الفت‌زا میان آن‌ها، خدمت ارزنده‌ای به جامعه خود می‌کند. ورزش احساس تعلق به وجود می‌آورد، هویت شخصی را متبلور می‌سازد، روابط اجتماعی را خلق می‌کند و پیوندهای دوستی و محبت افراد را تحکیم می‌بخشد. ذکر این نکته ضرورت دارد که اصحاب نظریه کارکردی، تطبیق را به‌عنوان یک کارکرد اجتماعی ورزش می‌دانند؛ زیرا، با نگاهی به جوامع صنعتی و به‌ویژه جوامعی که از دستگاه‌های فناوری پیشرفته در زمینه ارتباطات و روابط برخوردار هستند، معلوم می‌شود که ورزش تنها زمینه برای فعالیت‌هایی است که کار آن‌ها رشد دادن و تکامل بخشیدن به مهارت‌های بدنی و هم‌سازی و تطبیق با شرایط محیطی و مقتضیات اجتماعی می‌باشد (کواکلی، ۱۹۸۳، ۳۴-۳۲).

در این زمینه، دائرتی و میزنت^۱ (۲۰۰۸) به این نتیجه رسیدند که شبکه‌های ورزش همگانی، مکان‌های بالفعل و بالقوه‌ای را برای تقویت سرمایه اجتماعی به‌ویژه در میان شرکت‌کنندگان داوطلب فراهم می‌آورند و این امکان در میان افراد، بیشتر از شبکه‌های رسمی و اعضای سازمانی ورزش‌های همگانی می‌باشد. همچنین، آلد (۲۰۰۸) بر این باور است که مدارک و شواهد تجربی کافی برای اثبات کاملاً روشن مزایای اجتماعی ورزش که منجر به بسط و گسترش سرمایه اجتماعی می‌شود، وجود دارد. اسکینر^۲ و همکاران (۲۰۰۸) نیز با تحلیل مطالعاتی از انگلستان، اسکاتلند، ایرلند شمالی و کانادا و به‌کارگیری آن در متن جامعه استرالیا به این نتیجه دست یافتند که عواملی چون سیاست‌ها و راهبردهای توسعه ورزش، عضویت، مکان‌ها و فضاها، توسعه اجتماعی، ارزیابی و پایش و ثبات اجتماعی از مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر تجربه موفق به‌کارگیری ورزش در توسعه اجتماعی و ایجاد سرمایه اجتماعی مثبت در جوامع کم‌برخوردار می‌باشند.

لازم به ذکر است که در ایران مطالعات چندانی در ارتباط با کارکردهای اجتماعی ورزش همگانی صورت نگرفته است؛ اما در چند مورد به انگیزه شرکت‌کنندگان در ورزش همگانی، وضعیت آن در ایران، چالش‌ها و موانع توسعه و گسترش آن و دیدگاه‌ها و چشم‌اندازهای آینده ورزش همگانی در کشور پرداخته شده است. از جمله این مطالعات می‌توان به پژوهش رضانی خلیل‌آباد (۱۳۷۵)، غفرانی و همکاران (۱۳۸۸)، رضانی‌نژاد و همکاران (۱۳۸۸)، احسانی و همکاران (۱۳۹۳)، عزیزی (۱۳۸۸)، شعبانی و همکاران (۱۳۹۳) و غیره اشاره نمود. نتایج یکی از مطالعات کاربردی در این زمینه که حدود ۱۰ سال پیش توسط مظفری و قره (۱۳۸۴) با عنوان "وضعیت ورزش همگانی ایران و مقایسه آن با چند کشور منتخب جهان" انجام گرفت (اگرچه تکرار نگشته و نتایج آن به‌روز نمی‌باشد)، نشان داد درصد افرادی که در ایران تحت پوشش هیأت‌های ورزش همگانی به ورزش می‌پردازند معادل ۵/۹ درصد جمعیت است که در مقایسه با ۲۳ کشور دیگر جهان از همه کمتر می‌باشد و مسئولان مربوطه

1. Doherty & Misener

2. Skinner

می‌بایست با اولویت بیشتری سال‌ها عدم توجه به ورزش همگانی را با ارتقای سطح آگاهی مردم نسبت به این ورزش‌ها و ایجاد امکانات ویژه ورزش همگانی ارزان‌قیمت، ساده و دردسترس جبران نمایند. همچنین، آن‌ها عنوان کردند که با توجه به درصد اندک شرکت‌کنندگان در ورزش همگانی و نقش این ورزش‌ها در کاهش معضلات جسمانی، بهداشتی، روانی و اجتماعی، ضروری است ملزومات توسعه و گسترش این ورزش‌ها در جامعه فراهم گردد.

روش‌شناسی پژوهش

روش انجام پژوهش حاضر پیمایشی بوده و طرح آن از نوع هم‌بستگی یا مقطعی می‌باشد. همچنین، واحد تحلیل، فرد بود و اطلاعات موردنیاز از افراد جامعه موردنظر با استفاده از پرسش‌نامه پژوهشگرساخته جمع‌آوری گردید. جامعه آماری پژوهش را تمامی جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله ساکن شهر تهران در سال (۱۳۹۰) تشکیل دادند. براساس نتایج سرشماری مرکز آمار ایران، جمعیت جوانان ساکن شهر تهران در سال (۱۳۹۰) برابر با ۲۳۶۱۹۱۱ نفر بوده است که از این تعداد، ۱۱۹۲۱۹۸ نفر مرد و ۱۱۶۹۷۱۳ نفر زن بوده‌اند. شایان ذکر است که حجم نمونه متناسب با این جامعه، طبق فرمول کوکران معادل ۳۸۴ نفر به‌دست آمد که برای رفع اثر عدم پاسخ‌گویی کامل به پرسش‌نامه‌ها و یا کدهای گم‌شده، این تعداد به‌میزان پنج درصد افزایش یافت و حجم نمونه معادل ۴۰۵ نفر برآورد گردید. سپس، افراد نمونه به دو گروه "شرکت‌کننده در ورزش همگانی" ۲۲۵ نفر (۱۲۰ مرد و ۱۰۵ زن) و "غیرشرکت‌کننده در ورزش همگانی" ۱۸۰ نفر (۹۰ مرد و ۹۰ زن) تقسیم شدند.

علاوه‌براین، انتخاب نمونه‌ها به‌شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای بود که در مرحله اول مناطق ۲۲گانه شهر تهران براساس اطلاعات اقتصادی خانوارها و درجه‌بندی سطح اقتصادی اجتماعی مناطق توسط مرکز آمار به سه بخش (بالا، متوسط و پایین) تقسیم گردید و در ادامه، از هر بخش یک منطقه انتخاب گشت. براین‌اساس، مناطق یک، شش و ۱۸ به‌عنوان مناطق با وضعیت اقتصادی بالا، متوسط و پایین در نظر گرفته شد. در مرحله دوم از میان پارک‌های متعدد هر منطقه، یک پارک که محل انجام فعالیت‌های ورزش صبحگاهی بود، انتخاب گردید (پارک قیطریه از منطقه یک، پارک لاله از منطقه شش و پارک میثاق از منطقه ۱۸). سپس، در مرحله سوم گروه اول جمعیت نمونه از بین جوانان شرکت‌کننده در فعالیت‌های ورزش همگانی انتخاب شدند و در آخرین مرحله از میان جوانان ساکن در محله‌های اطراف پارک‌های مذکور، گروه دوم جمعیت نمونه (گروه غیرشرکت‌کننده در ورزش همگانی) گزینش گردیدند. پس از جمع‌آوری پرسش‌نامه‌ها، ۱۰ مورد از آن‌ها به‌دلیل عدم پاسخ‌گویی کامل و داشتن کدهای گم‌شده بسیار از فرایند تحلیل حذف شدند و تعداد پاسخ‌گویان به ۳۹۵ مورد تقلیل یافت.

از آن جایی که در این پژوهش از پرسش‌نامه پژوهشگر ساخته استفاده گردید، به منظور سنجش روایی آن از اعتبار صوری (اتفاق نظر متخصصان و پژوهشگران یک رشته بر روی شاخص‌های ابزار سنجش) بهره گرفته شد. لازم به ذکر است که شاخص‌ها و گویه‌های این پرسش‌نامه ابتدا با مشورت و همکاری چند تن از اساتید دانشگاه و دانشجویان دوره دکتری و کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی تهیه شدند و پس از بحث و بررسی، برخی از گویه‌ها حذف شده و یا اصلاح گردیدند؛ بنابراین، به نظر می‌رسد اعتبار صوری این پرسش‌نامه مطلوب باشد. علاوه بر این، برای تعیین پایایی ابزار پژوهش از آلفای کرونباخ استفاده گردید. در جدول شماره یک مشاهده می‌شود که ضریب آلفای کرونباخ سه مورد از متغیرها بالاتر از (۰/۸) بوده و در مورد یک متغیر بالاتر از (۰/۶) است؛ بنابراین، می‌توان گفت که پایایی و قابلیت اعتماد پرسش‌نامه در سطح بالایی قرار دارد.

جدول ۱- ضرایب پایایی متغیرهای پژوهش

متغیرها	تعداد گویه‌ها	ضریب آلفای کرونباخ
اعتماد بنیادین	۱۴	۰/۸۳
اعتماد بین شخصی	۱۱	۰/۶۲
اعتماد تعمیم‌یافته	۱۳	۰/۸۱
اعتماد نهادی	۱۲	۰/۸۵

نتایج

فرضیه اول: به نظر می‌رسد بین شرکت‌کنندگان در ورزش همگانی و غیرشرکت‌کنندگان در آن از نظر اعتماد اجتماعی تفاوت وجود دارد.

با توجه به جدول شماره دو مشاهده می‌شود که میانگین اعتماد اجتماعی در حالت کلی آن برای افراد شرکت‌کننده در ورزش همگانی (۲/۹۶) بیشتر از میانگین این متغیر برای افراد غیرشرکت‌کننده در ورزش همگانی (۲/۸۴) می‌باشد؛ بنابراین، به نظر می‌رسد که شرکت در ورزش همگانی بر میزان اعتماد اجتماعی افراد تأثیر مثبت داشته باشد. برای بررسی معنادار بودن این تفاوت از نظر آماری از آزمون تفاوت میانگین (تی مستقل) استفاده گردید. ملاحظه می‌شود که مقدار تی به دست آمده برای این فرضیه برابر با (۴/۱۲۵) و سطح معناداری آن معادل (Sig = ۰/۰۰۱) است که کمتر از (۰/۰۵) می‌باشد؛ بنابراین، با اطمینان ۹۵ درصد، فرض صفر (مبنی بر نبود تفاوت بین میانگین دو گروه) رد شده و فرضیه اول پژوهش تأیید می‌گردد؛ بدین معنا که با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان ادعا نمود که شرکت در ورزش همگانی بر افزایش اعتماد اجتماعی افراد تأثیر می‌گذارد.

جدول ۲- نتایج آزمون تفاوت میانگین گروه‌ها از نظر متغیر اعتماد اجتماعی

شرکت در ورزش همگانی	آماره‌های توصیفی			آزمون تفاوت میانگین	
	فراوانی	میانگین	انحراف استاندارد	تی مستقل	درجه آزادی
بله	۲۲۱	۲/۹۶	۰/۳۱۳	۴/۱۲۵	۳۹۲/۹
خیر	۱۷۴	۲/۸۴	۰/۲۹۴		۰/۰۰۱

با توجه به این که متغیر اعتماد اجتماعی در این پژوهش از ترکیب چهار متغیر اعتماد بنیادین، اعتماد تعمیم‌یافته، اعتماد بین شخصی و اعتماد نهادی به‌دست آمده است، برای دقت و وضوح بیشتر نتایج معناداری تفاوت میانگین هر چهار بعد فوق به‌طور جداگانه در فرضیات دوم تا پنجم موردآزمون قرار گرفت.

فرضیه دوم: به‌نظر می‌رسد که بین شرکت‌کنندگان در ورزش همگانی و غیرشرکت‌کنندگان در آن از نظر اعتماد بنیادین تفاوت وجود دارد.

جدول ۳- نتایج آزمون تفاوت میانگین گروه‌ها از نظر متغیر اعتماد بنیادین

شرکت در ورزش همگانی	آماره‌های توصیفی			آزمون تفاوت میانگین	
	فراوانی	میانگین	انحراف استاندارد	تی مستقل	درجه آزادی
بله	۲۲۱	۲/۹۸	۰/۴۳۵	۱/۳۱۸	۳۹۳
خیر	۱۷۴	۲/۹۳	۰/۰۳۳		۰/۱۸۸

ملاحظه می‌شود که میانگین اعتماد بنیادین برای افراد شرکت‌کننده در ورزش همگانی (۲/۹۸) اندکی بیشتر از میانگین این متغیر برای افراد غیرشرکت‌کننده در ورزش همگانی (۲/۹۳) می‌باشد که نشان‌دهنده بهتر بودن نسبت نمرات کسب‌شده توسط گروه شرکت‌کننده در ورزش همگانی نسبت به گروه غیرشرکت‌کننده است. همچنین، مقدار تی به‌دست‌آمده برای این فرضیه معادل (۱/۳۱۸) بوده و سطح معناداری به‌دست‌آمده برای آن برابر با (Sig = ۰/۱۸۸) است که بیشتر از (۰/۰۵) می‌باشد؛ بنابراین، با اطمینان ۹۵ درصد، فرض صفر (مبنی بر نبود تفاوت بین میانگین دو گروه) تأیید می‌شود. به‌عبارت‌دیگر، فرضیه دوم این پژوهش رد می‌شود؛ بدین‌معناکه با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان ادعا نمود که تأثیر شرکت در ورزش همگانی بر اعتماد بنیادین افراد به‌لحاظ آماری معنادار نمی‌باشد.

فرضیه سوم: به‌نظر می‌رسد بین شرکت‌کنندگان در ورزش همگانی و غیرشرکت‌کنندگان در ورزش همگانی از نظر اعتماد بین شخصی تفاوت وجود دارد.

جدول شماره چهار حاکی از آن است که میانگین اعتماد بین شخصی برای افراد شرکت‌کننده در ورزش همگانی معادل (۳/۱۳) و بیشتر از میانگین این متغیر برای افراد غیرشرکت‌کننده در ورزش

همگانی (۲/۹۱) می‌باشد؛ بنابراین، به نظر می‌رسد که نسبت نمرات کسب‌شده توسط گروه شرکت‌کننده در ورزش همگانی نسبت به گروه غیرشرکت‌کننده بهتر باشد که معناداری این تفاوت میانگین با آزمون تی مستقل مورد ارزیابی قرار گرفته است.

جدول ۴- نتایج آزمون تفاوت میانگین گروه‌ها از نظر متغیر اعتماد بین شخصی

شرکت در ورزش همگانی	آماره‌های توصیفی			آزمون تفاوت میانگین	
	فراوانی	میانگین	انحراف استاندارد	تی مستقل	درجه آزادی
بله	۲۲۱	۳/۱۳	۰/۳۳۰	۷/۵۴۸	۳۹۱/۵
خیر	۱۷۴	۲/۹۱	۰/۲۴۴		۰/۰۰۱

نتایج آزمون نشان می‌دهد که مقدار تی به دست آمده برای این فرضیه برابر با (۷/۵۴۸) و سطح معناداری آن معادل (Sig = ۰/۰۰۱) می‌باشد که کمتر از (۰/۰۵) است؛ بنابراین، با اطمینان ۹۵ درصد، فرضیه سوم پژوهش تأیید می‌گردد؛ بدین معنا که با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان ادعا نمود که شرکت در ورزش همگانی بر افزایش اعتماد بین شخصی افراد تأثیر دارد.

آزمون تفاوت میانگین اعتماد بین شخصی به تفکیک گویه‌های آن در جدول شماره پنج نشان می‌دهد که در مورد تمامی اشخاص، میزان اعتماد افراد شرکت‌کننده در ورزش همگانی بیشتر از افراد غیرشرکت‌کننده است؛ اما آزمون تفاوت میانگین اعتماد دو گروه حاکی از آن است که این تفاوت در مورد افراد خانواده، دوستان و اقوام و خویشان از نظر آماری معنادار نمی‌باشد؛ اما در مورد همکاران، همسایگان و همشهریان معنادار است؛ بدین معنا که با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت که ورزش همگانی باعث افزایش اعتماد به افراد کمتر صمیمی از جمله همسایگان، همکاران و سایر همشهریان می‌گردد.

جدول ۵- مقایسه میانگین اعتماد بین شخصی بین دو گروه

گروه‌ها	ورزش همگانی	میانگین	نتیجه آزمون تی مستقل	
			مقدار تی	معناداری
خانواده	بله	۴/۲۴	۱/۲۴۱	۰/۲۱۵
	خیر	۴/۱۴		
دوستان	بله	۳/۴۶	۰/۷۷۲	۰/۴۴۰
	خیر	۳/۴۰		
اقوام و خویشان	بله	۳/۴۹	۱/۶۵۷	۰/۰۹۸
	خیر	۳/۳۶		
همسایگان	بله	۲/۹۹	۵/۶۲۴	۰/۰۰۱
	خیر	۲/۶۴		
همکاران	بله	۳/۳۴	۱۴/۳۱۶	۰/۰۰۱
	خیر	۲/۵۱		
همشهریان	بله	۲/۹۴	۷/۲۴۰	۰/۰۰۱
	خیر	۲/۵۲		

فرضیه چهارم: به نظر می‌رسد بین شرکت‌کنندگان در ورزش همگانی و غیرشرکت‌کنندگان در آن از نظر اعتماد تعمیم‌یافته تفاوت وجود دارد.

با توجه به جدول شماره شش مشاهده می‌شود که میانگین اعتماد تعمیم‌یافته برای افراد شرکت‌کننده در ورزش همگانی (۲/۹۳) بیشتر از میانگین این متغیر برای افراد غیرشرکت‌کننده در ورزش همگانی (۲/۸۱) می‌باشد. همچنین، جدول فوق نشان می‌دهد که مقدار تی به دست آمده برای این فرضیه برابر با (۳/۴۳۰) و سطح معناداری آن معادل (Sig = ۰/۰۰۱) می‌باشد که کمتر از (۰/۰۵) می‌باشد؛ بنابراین، با اطمینان ۹۵ درصد، این فرضیه پژوهش تأیید می‌شود؛ بدین معنا که با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان ادعا نمود که شرکت در ورزش همگانی بر افزایش اعتماد تعمیم‌یافته افراد تأثیر دارد.

جدول ۶- نتایج آزمون تفاوت میانگین گروه‌ها از نظر متغیر اعتماد تعمیم‌یافته

شرکت در ورزش همگانی	آماره‌های توصیفی		آزمون تفاوت میانگین	
	میانگین	انحراف استاندارد	تی مستقل	درجه آزادی
بله	۲/۹۳	۰/۴۱۴	۳/۳۴۰	۳۹۲/۷
خیر	۲/۸۱	۰/۳۱۷		

همچنین، نتایج مقایسه میانگین‌های دو گروه پاسخ‌گویان و آزمون تی مستقل آن که در جدول شماره هفت آمده است، نشان می‌دهد که میانگین میزان اعتماد افراد شرکت‌کننده در ورزش همگانی درمورد تمامی اصناف و گروه‌ها بالاتر از گروه دوم است و این تفاوت درمورد کارمندان، پرستاران، دانشجویان، رانندگان تاکسی و مسافرهای شخصی معنادار می‌باشد؛ بدین‌معناکه شرکت در ورزش همگانی بر اعتماد افراد به این گروه‌ها تأثیر مثبتی دارد.

جدول ۷- مقایسه میانگین اعتماد به اصناف و گروه‌های اجتماعی بین دو گروه

اصناف	ورزش همگانی	میانگین	نتیجه آزمون تی مستقل	
			مقدار تی	معناداری
استادان دانشگاه	بله	۳/۳۱	۱/۴۲۳	۰/۱۵۶
	خیر	۳/۲۲		
مغازه‌داران	بله	۳/۷۶	۱/۱۳۶	۰/۲۵۷
	خیر	۲/۶۹		
روحانیون	بله	۳/۲۷	۱/۰۱۷	۰/۳۱۰
	خیر	۳/۲۱		
معلمان	بله	۳/۲۵	۰/۸۲۵	۰/۴۱۳
	خیر	۳/۲۰		
رانندگان تاکسی	بله	۲/۹۷	۲/۳۷۵	۰/۰۱۸
	خیر	۲/۸۰		
کارمندان	بله	۳/۰۲	۲/۲۳۳	۰/۰۲۶
	خیر	۲/۹۲		
پزشکان	بله	۳/۰۰	۱/۰۶۷	۰/۲۸۷
	خیر	۲/۹۲		
ورزشکاران	بله	۲/۷۴	۲/۵۲۶	۰/۰۱۲
	خیر	۲/۵۸		
بازاریان	بله	۲/۵۶	۰/۶۱۵	۰/۵۳۹
	خیر	۲/۵۰		
دانشجویان	بله	۲/۸۸	۳/۹۷۷	۰/۰۰۱
	خیر	۲/۶۳		
پرستاران	بله	۲/۹۱	۰/۹۳۹	۰/۰۰۳
	خیر	۲/۷۰		
مسافرهای شخصی	بله	۲/۵۹	۲/۵۶۱	۰/۰۱۱
	خیر	۲/۴۳		

فرضیه پنجم: به نظر می‌رسد بین شرکت‌کنندگان در ورزش همگانی و غیرشرکت‌کنندگان در آن از نظر اعتماد نهادی تفاوت وجود دارد.

طبق جدول شماره هشت مشاهده می‌شود که میانگین اعتماد نهادی برای افراد شرکت‌کننده در ورزش همگانی معادل (۲/۹۸) اندکی بیشتر از میانگین این متغیر برای افراد غیرشرکت‌کننده در ورزش همگانی (۲/۹۳) می‌باشد و این شاخص بیانگر بهتر بودن نسبت نمرات کسب‌شده توسط گروه شرکت‌کننده در ورزش همگانی نسبت به گروه غیرشرکت‌کننده می‌باشد.

جدول ۸- نتایج آزمون تفاوت میانگین گروه‌ها از نظر متغیر اعتماد نهادی

شرکت در ورزش همگانی	آماره‌های توصیفی		آزمون تفاوت میانگین	
	فراوانی	میانگین	انحراف استاندارد	تی مستقل
بله	۲۲۱	۲/۷۹	۰/۴۱۴	۱/۶۱۹
خیر	۱۷۴	۲/۷۲	۰/۳۵۹	۳۹۳
				درجه آزادی
				معناداری
				۰/۱۰۶

همان‌طور که مشاهده می‌شود، مقدار تی به‌دست‌آمده برای این فرضیه برابر با (۳/۳۱۳) است و سطح معناداری آن معادل (Sig=۰/۱۰۶) می‌باشد که بیشتر از (۰/۰۵) است؛ بنابراین، با اطمینان ۹۵ درصد، فرض صفر (مبنی بر نبود تفاوت بین میانگین دو گروه) تأیید می‌شود. به عبارت دیگر، فرضیه پنجم این پژوهش رد می‌شود؛ بدین معنا که با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان ادعا نمود که تأثیر شرکت در ورزش همگانی بر اعتماد نهادی افراد مورد پژوهش به‌لحاظ آماری معنادار نمی‌باشد.

علاوه‌براین، نتایج جدول شماره نه حاکی از آن است که درمورد تمام سازمان‌ها و نهادهای موردنظر، میزان اعتماد افراد شرکت‌کننده در ورزش همگانی بالاتر از میزان اعتماد گروه غیرشرکت‌کننده در ورزش همگانی می‌باشد؛ اما این تفاوت تنها درمورد شهرداری و سازمان‌های خدماتی (مانند سازمان آب، برق و گاز) به‌لحاظ آماری معنادار است و درمورد سایر نهادها و سازمان‌ها معنادار نمی‌باشد. به عبارت دیگر، شرکت در ورزش همگانی بر اعتماد افراد به شهرداری (به‌عنوان متولی ورزش شهروندی و همگانی) تأثیر مثبتی دارد. به‌طور کلی، تفاوت میانگین اعتماد نهادی بین دو گروه به‌لحاظ آماری معنادار نمی‌باشد.

جدول ۹- مقایسه میانگین گویه‌های اعتماد نهادی

نهادها	ورزش همگانی	میانگین	نتیجه آزمون تی مستقل	
			مقدار تی	معناداری
شهرداری	بله	۲/۶۷	۲/۵۴۰	۰/۰۱۱
	خیر	۲/۵۶		
آموزش و پرورش	بله	۲/۹۶	۰/۴۹۲	۰/۶۲۳
	خیر	۲/۹۳		
نیروی انتظامی	بله	۲/۸۴	۰/۱۲۳	۰/۹۰۲
	خیر	۲/۸۳		
بانک	بله	۲/۸۹	۰/۲۷۵	۰/۷۸۴
	خیر	۲/۸۷		
پست	بله	۲/۹۳	۰/۹۶۷	۰/۳۳۴
	خیر	۲/۸۶		
آژانس‌های مسافرتی	بله	۲/۶۵	۰/۹۹۷	۰/۳۱۹
	خیر	۲/۵۹		
صدا و سیما	بله	۲/۵۵	۰/۶۹۰	۰/۴۹۱
	خیر	۲/۵۱		
راهنمایی و رانندگی	بله	۲/۷۹	۱/۸۱۲	۰/۰۷۱
	خیر	۲/۷۱		
دادگاه‌ها	بله	۲/۶۷	۰/۷۸۳	۰/۴۳۴
	خیر	۲/۶۲		
بیمارستان‌ها	بله	۲/۶۲	۰/۵۴۱	۰/۵۸۹
	خیر	۲/۵۹		
مخابرات	بله	۲/۷۴	۰/۱۸۵	۰/۲۳۷
	خیر	۲/۶۷		
سازمان‌های خدماتی	بله	۲/۸۹	۲/۰۸۲	۰/۰۳۸
	خیر	۲/۷۵		

بحث و نتیجه‌گیری

در حالی که نتایج پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (یافته‌های تهران) در سال (۱۳۸۲) نشان داد که میزان اعتقاد جوانان به وجود اعتماد در بین مردم، ۵۷ درصد بالاتر از متوسط، ۲۷/۲ درصد در حد متوسط و تنها ۱۵/۷ درصد پایین‌تر از متوسط بوده است؛ نتیجه تحقیق حاضر نشان داد که میزان اعتماد اجتماعی در میان جوانان شهر تهران با میانگین (۲/۹۱) پایین‌تر از حد متوسط است؛

به طوری که میزان اعتماد اجتماعی ۴۰ درصد از پاسخ‌گویان از حد متوسط پایین‌تر بوده و تنها ۱۴/۷ درصد از آن‌ها اعتماد بالاتر از متوسط داشته‌اند و میزان اعتماد ۴۵/۳ درصد از آن‌ها در حد متوسط بوده است؛ که بیانگر آن است که از میزان اعتماد در میان جوانان کاسته شده و اعتقاد به وجود گذشت، امانت‌داری، انصاف، پایبندی به تعهدات و غیره کمرنگ شده است. همچنین، با توجه به نتایج آزمون فرضیات، می‌توان گفت ورزش همگانی بر اعتماد اجتماعی مؤثر است؛ بدین معنایکه متغیرها بیشتر مبتنی بر روابط با افراد و نقش‌های اجتماعی هستند که این نتیجه با نظریه بیشتر صاحب‌نظران جامعه‌شناسی ورزش در مورد کارکردهای اجتماعی ورزش همگانی همخوانی دارد (ویلکرسون و دودر، ۱۹۸۸؛ هریس، ۱۹۹۸؛ کاسکلی، ۲۰۰۸؛ دائرتی و میزنر، ۲۰۰۸؛ آلد، ۲۰۰۸؛ اسکینر و همکاران، ۲۰۰۸ و روشندل، ۱۳۸۶)؛ اما در مورد اعتماد بنیادین و اعتماد نهادی تأثیر معناداری مشاهده نگردید. نتایج تحلیل عنصر به عنصر متغیر اعتماد بین شخصی نشان می‌دهد که در میان جوانان شرکت‌کننده در تحقیق اعتماد به افراد نزدیک بیشتر است و کمتر به غریبه‌ها و افراد ناشناس اعتماد دارند. البته، معنادار بودن تفاوت میانگین اعتماد به همسایگان، همکاران و همشهریان تأییدکننده این ادعای پژوهش است که ورزش همگانی با گسترش شعاع اعتماد و افزایش عام‌گرایی هم‌بستگی مستقیم دارد. در مورد اعتماد تعمیم‌یافته ملاحظه می‌شود که اعتماد به قشر فرهیخته و فرهنگی جامعه اعم از اساتید دانشگاه، روحانیون و معلمان، بالاتر از سایر اقشار است. بالاتر بودن میزان اعتماد به پزشکان، رانندگان تاکسی و مغازه‌داران نسبت به پرستاران، مسافربرهای شخصی و بازاریان تأییدکننده نظریه‌های زومکا (۱۳۸۶) در رابطه با تأثیر موقعیت و پرستیژ اجتماعی، نشانه‌ها و علائم اعتماد بر انگیز و آشنایی و انس با محیط و افراد بر افزایش اعتماد می‌باشد. علاوه بر این، یافته‌ها در مورد اعتماد نهادی نتایج نشان می‌دهد که اعتماد به سازمان‌های خدماتی که مردم ارتباط بیشتری با آن‌ها دارند و به نظر می‌رسد که خدمات خود را به خوبی انجام می‌دهند (از قبیل شهرداری، آموزش و پرورش و پست)، بالاتر از سایر سازمان‌ها و نهادها است و این امر می‌تواند متأثر از شفافیت سازمان نظام اجتماعی، پاسخ‌گویی و انس و آشنایی بیشتر مردم با آن‌ها باشد؛ اما اعتماد به صدا و سیما در آخرین رتبه قرار دارد که باعث گرایش به رسانه‌های خارجی می‌شود؛ رفتاری که به نظر زومکا (۱۳۸۶) یکی از نشانه‌های وجود بی‌اعتمادی در جامعه است. در مجموع، می‌توان گفت ورزش همگانی می‌تواند فضایی مناسب جهت حضور و مشارکت جوانان را فراهم آورده و از طریق تقویت روابط متقابل آن‌ها با سایر افراد و اقشار جامعه و نیز افزایش میزان تعلق و آگاهی اجتماعی آن‌ها و انتقال ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی به تقویت اعتماد اجتماعی کمک نماید.

منابع

1. Alkhowli, A. A. (2002). Sport and society. (1st Ed.), (H. R. Sheikhi, Trans). Mashhad: Astane Qhodse Razawi Publication, (Persian).
2. Auld, C. (2008). Voluntary sport clubs: The potential for the development of social capital, In Nicholson, M., & Hoye, R. (Eds). Sport and social capital. (1st Ed.), Amsterdam: Butterworth-Heinemann Press,
3. Azizi, B. (2008). The study of Tehran University students views about sport for all. (Unpublished master dissertation). Faculty of Physical Education and Sport Science, University of Tehran. (Persian).
4. Brown, K. M. (2008). Community sport/ recreation members and social capital measures in Sweden and Australia, In Nicholson, M., & Hoye, R. (Eds). Sport and social capital. (1st Ed.), Amsterdam: Butterworth-Heinemann Press.
5. Chalabi, M. (1996). The sociology of order: Theoretical analyzing and describing of social order (3rd Ed). Tehran: Ney Publication. (Persian).
6. Coackley, J. (1983). Sport in society: Issues and Controversies, (1st Ed.), St Louis: Mosby Publishing Company.
7. Cuskelly, G. (2008). Volunteering in community sport organization: Implications for social capital. In Nicholson, M., & Hoye, R. (Eds). Sport and social capital. (1st Ed.), Amsterdam: Butterworth-Heinemann Press.
8. Doherty, A., & Misener, K. (2008). Community sport networks, In Nicholson, M., & Hoye, R. (Eds). Sport and social capital. (1st Ed.), Amsterdam: Butterworth-Heinemann Press.
9. Ehsani, M., Saffari, M., Amiri, M., & Koozehcheian, H. (2015). Designing the model of sport for all in Iran. Sport Management Review, (27), 78-108. (Persian).
10. Ghofrani, M., Goodarzi, M., Sajjadi, N., Jalali Farahani, M., & Moqhanasi, M. (2009). Compiling and designing the strategy for development of sport for all in Sistan and Balouchestan province. The Journal of Movement, (39), 107-33. (Persian).
11. Giddens, A. (2009). The consequences of modernity (5th Ed). (M. Salehi, Trans). Tehran: Markaz Publications.
12. IRI Physical Education Organization. (2003). The strategic document of comprehensive system of sport and physical education development, Detailed study on development of public and recreative sport, Rad Samaneh Co., 1st Ed.
13. Javadipour, M., & Samieniya, M. (2013). Sport for all in Iran and compiling the future perspective, strategy and programs. Applied Researches in Sport Management, 1(4), 21-30. (Persian)
14. Laker, A. (2002). The sociology of sport and physical education. (1st Ed.), London: Routledge Flamer Press.
15. Lindstrom, M., Hanson, B., & Ostergren, P. (2001). Socioeconomic differences in leisure-time physical activity: The role of social participation and social capital in shaping health related behavior. Social Science and Medicine, 1(52), 441-51.
16. Mozaffari, A. A., & Qhareh, M. A. (2005). The condition of sport for all in Iran and comparing it with several selected countries through the world. The Journal of Movement Science and Sport, 1(6), 151-71. (Persian).
17. Nicholson, M., & Hoye, R. (2008). Sport and social capital. (1st Ed.), Amsterdam: Butterworth-Heinemann Press.

18. Pishvaei, M., Adhami, A., Pouryousefi, H., Atarodi, A., Pishvaei, Z., & Bagheri, P. (2014). Social trust and social factors affecting it among students. *Journal of Research & Health, Social Development & Health Promotion*, 4(3), 760-9. (Persian).
19. Ramezani Khalilabad, Gh. (1996). The study of the motivations of participants in sport for all in Tehran. (Unpublished master dissertation). The Faculty of Physical Education, Kharazmi University. (Persian).
20. Ramezani Nejad, R., Rahmaniniya, F., & Taqhavi, A. (2009). The survey on motivations of participants in sport for all in open areas. *Sport Management Review*, 1(2), 5-19. (Persian).
21. Rowshandel Arbatani, T., (2007). Explaining the mass media's role in internalization of sport for all in Iran, *The Journal of Movement*, 33, 165-77. (Persian)
22. Seurin, P. (1983). The future of the Olympic Games, *FIEP, Bulletin*, 1(53), 102-29.
23. Shabani, A., Rezaee soofi, M., & Farahani, A. (2014). The study on extant challenges in fourfold sections of sport in Iran (Delphi research). *Contemporary Researches in Sport Management*, 4(8), 65-79. (Persian).
24. Skinner, J., Dwight, Z. H., & Jacqui C. (2008). Development through sport: Building social capital in disadvantages communities. *Sport Management Review*, 3(11), 253-75.
25. Sobhani, B. (2011). The study of relationship between participation in sport for all exercises and social trust among 15-29 aged youth in Tehran. (Unpublished master dissertation). Social Science Faculty, University of Tehran. (Persian).
26. Sztompka, P. (2007). *Trust, a sociological theory*, (1st Ed.), (Gh. Ghaffari, Trans). Tehran: Shirazeh Publication.
27. Teymoori, A. (2006). The study and comparing the function of public and recreative sport development center and Iran's championship sport development center according to Wiseboarded Model. (Unpublished master dissertation). Physical Education Faculty, University of Tehran. (Persian).

استناد به مقاله

سبحانی، بهمن، و هاشمی، سید ضیا. (۱۳۹۶). کارکردهای اجتماعی ورزش همگانی با تأکید بر اعتماد اجتماعی. *مطالعات مدیریت ورزشی*، ۹ (۴۲)، ۱۸۵-۲۰۲. شناسه دیجیتال: 10.22089/smrj.2017.1238.1298

Sobhani. B., & Hashemi. S.Z. (2017). Social Functions of Sport for All with an Emphasis on Social Trust. *Sport Management Studies*. 9 (42): 185-202. (Persian). Doi: 10.22089/smrj.2017.1238.1298

Social Functions of Sport for All with an Emphasis on Social Trust

B. Sobhani¹, S. Z. Hashemi²

1. Ph.D. Student of Social Welfare, Allameh Tabataba'i University*
2. Associate Professor of Sociology, University of Tehran

Received: 2015/07/15

Accepted: 2016/10/03

Abstract

In sociology literature, informal social networks have been recognized as one of the main ways to boost ties and social bonds between people and thus increase social trust, and since the “sport for all” is an informal and voluntary exercise and provides a good atmosphere to increase direct relationships and emotional bonds between people in the community, it seems can be affective in strengthening of social trust through its functions and mechanisms. This study was done to examination the relationship between participation of young people in the “sport for all” exercises and their social trust. The research method is descriptive and correlation design. The population consisted of all young people aged 15 to 29 in Tehran, among them 405 patients selected with multi-stage cluster sampling and divided into two groups “participant” and “nonparticipant” groups, and the components of social trust were measured using the self-made questionnaire. The results show that the average social trust for the participants in sport for all in general (2.96) higher than the average of the variable for nonparticipant (2.84), and this difference was statistically significant, so, it can be said that participation in sport by young people in the study correlated the degree of social trust. The consideration of social trust dimensions showed that mean difference between the two groups about interpersonal trust and generalized trust is statistically significant, but there was no significant impact on the fundamental trust and institutional trust.

Keywords: Sport for All, Social Trust, Informal Social Networks, Youth

*Corresponding Author

Email: bsobhanib@gmail.com